وظایف عملی ما در برابر قرآن کریم ـ علی‌نقی خدایاری
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ٦٨ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ١٣٩٩، ص ٦١-٧٨

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

وظایف عملی ما در برابر قرآن کریم

علی نقی خدایاری*

چکیده: نگارنده چهار وظیفهٔ عملی ما در برابر قرآن را توضیح می‌دهد: تبعیت و پیروی کردن، کتمان نکردن معارف و حقایق قرآن، تکریم و بزرگداشت قرآن کریم، استغنا با قرآن و هدایت قرآنی، ذیل آن: ترک هم‌نشینی با مسخره‌کنندگان آیات الهی، عدم معامله قرآن با چیز دیگر، تکریم اهل قرآن.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم؛ وظایف عملی در برابر قرآن؛ تبعیت از قرآن؛ هدایت قرآن؛ تکریم اهل قرآن.

*.استادیار جامعة المصطفی٦ العالمیة alikhodayari110@yahoo.com

مقدمه

قرآن، این خوان احسان الهی که پیش روی ما گشوده است، موهبتی والا از سوی خدایمان برای هدایت آدمیان است. طبعاً این نعمت بی‌مانند، شکری در خور خود می‌طلبد که در قالب وظایف فراوانی جلوه می‌کند. پیش از این در مقالهٔ «وظایف قلبی ما در برابرقرآن کریم» (سفینه، شماره ٦٧، تابستان ١٣٩٩، ص ١٦٦– ١٨٩) بخشی از وظایف ما در برابر قرآن مرور شد و اینک در این گفتار، به بایسته‌های عملی در این زمینه می‌پردازیم.

وظیفه تکریم مصادیق علمی و عملی فراوان دارد. از ایمان، تدبر، فهم، عمل کردن و خواندن تا احترام به مصحف و نوشته‌های قرآن کریم و چگونگی نگه‌داری آن و دفاع از معارف قرآن و جدایی نینداختن میان قرآن و عترت می‌توان به عنوان موارد و مصادیق تکریم قرآن یاد کرد.

در عین حال در برخی از متون دینی موارد مهمی به طور خاص مطرح شده که در اینجا به اجمال ارائه می‌شود.

۱. تبعیت و پیروی کردن

دومین حق قرآن کریم، با عنایت به متن قرآن، وجوب تبعیت از تعالیم و معارف الهی این کتاب نورانی است. این وظیفه مهم در آیات متعدد مطرح شده است: «وَ هذا کِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُون» (انعام، ۱۵۵)؛ این کتابی است مبارک. آن را نازل کرده‌ایم. پس، از آن پیروی کنید و پرهیزگار باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ (اعراف، ۳)؛ آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید و جز او از معبودان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

[دیگر] پیروی مکنید.

تبعیت به معنای پشت سر کسی یا چیزی رفتن و پیروی کردن از اوست. (صحاح اللغة، ج ۳ ص ۱۱۹۰، المفردات، ص ۷۲) برخی مفسران هماهنگ شدن در گفتار و کردار با متبوع را مؤلفه معنایی تبعیت ذکر کرده‌اند. (التبیان ج ۲ ص ٦٦، مجمع البیان، ج ۱ ص ٤٦٣)

مفهوم پیروی در زمینه‌های چندی در قرآن به کار رفته است. مانند پیروی از هدایت الهی، صراط مستقیم، پیامبران، حضرت رسول، قرآن و در نقطه مقابل پیروی از شیطان، طاغوت‌ها و هوای نفس؛ با توجه به گستره مفهوم پیروی و اطلاق دستور پیروی از قرآن، این تکلیف همه ساحتهای وجودی انسان را در برگیرد. انسان مؤمن به قرآن باید در اندیشه و باور و رفتار و گفتار تابع قرآن باشد. ضرورت پیروی از قرآن برخاسته از حقیقت نور و روشنگر بودن و اوصاف هدایت و حکمت و برهان و خطاناپذیری آن است. پیروی از قرآن پیروی از علم و حکمت و برهان است.

تبعیت از قرآن کریم پیروی از حضرت رسول٦ هم هست. هم از آن رو که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى *إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم ۳ و٤) و هم از آن رو که خود پیرو وحی است. پیامبر بی‌واسطه تابع وحی است و ما با واسطه آن حضرت: «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (احزاب ۲؛ ر.ک یونس ۱۰۹) از هر چه از پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن. زیرا خدا بدانچه می‌کنید آگاه است.

نتیجه پیروی از قرآن رستگاری است: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۱۵۷) پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

۲. کتمان نکردن معارف و حقایق قرآن

یکی از تکالیف سنگین علمی که برای عالمان به معارف قرآن مطرح است، پرهیز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

از کتمان حقایق و معارف الهی قرآن کریم است. این ضرورت در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است.

«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ» (آل عمران، ۱۸۷)

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان نمایید و کتمانش مکنید. پس، آن را پشتِ سرِ خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند.

مفسران یاد آور شده‌اند که مصداق بارز آیه آن عالمان و بزرگان اهل کتاب هستند که برای رسیدن به اهداف و مطامع دنیوی نبوت رسول اسلام را کتمان کردند. (ر.ک. التبیان، ج ۳ ص ۷٤، زبدة التفاسیر، ج ۱ ص ٦١٤؛ مفاتیح الغیب، ج ۹ ص ۱۳۰)

امین الاسلام طبرسی بر آن است که این آیه و آیات مشابه بر وجوب آشکار کردن حق و حرمت پوشاندن آن دلالت دارد و بیان دین و احکام و فتاوی و شهادات و امور دیگری که ویژه علما است، داخل در این حکم است. آنگاه به این کلام امیرمؤمنان۷ استناد کرده است: «ما أخذ الله علی أهل الجهل أن یتعلموا حتی أخذ علی أهل العلم أن یعلموا». خداوند پیش از آن که از جاهلان برای فراگیری پیمان گرفته باشد، از اهل علم پیمان تعلیم گرفته است. (مجمع البیان ج ۲ ص ٤٦٧)

انگیزه‌های حق‌پوشی می‌تواند، اهداف نادرستی مانند منفعت طلبی، بخل و خوشایند ستمکاران باشد. (زبدة التفاسیر، ج ۱، ص ٦١٤)

روشهای کتمان حق هم متفاوت است اعم از بازگو نکردن با سکوت یا تأویل و توجیه و تحریف لفظی یا معنوی حقایق به گونه‌ای که حقیقت به شکل صحیح بیان نشود و پوشیده بماند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

«انَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ» (بقره، ١٧٤-١٧٥)

کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، پنهان می‌دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می‌آورند، آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند. و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت، و پاکشان نخواهد کرد، و عذابی دردناک خواهند داشت. آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت، و عذاب را به [ازای] آمرزش خریدند، پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکیبا باشند!

نویسنده تفسیر مناهج البیان، با ذاتی و تکوینی دانستن پیمان مورد نظر در این آیه، بر آن رفته‌اند که علم امانت الهی است از این روی خیانت در آن روا نیست. آشکار کردن آن یاری حق و اهل حق و اولیای الهی است و ترک اظهار پایمال کردن حق و اهل حق است. بر همین اساس آیه در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و شامل تعلیم به افراد جاهل هم می‌شود. البته اظهار حق و ابطال باطل نیازمند دو ملاحظه است یکی قرار ندادن علم و حکمت در غیر محل خود که ظلم به علم است و دومی دریغ نکردن دانش از افراد حق جو که ستم به ایشان است. (مناهج البیان، ج ٢ ص ٥٤؛ الکافی ج ١ ص ٤٢) چنان که در کلام حکمت‌آمیز حضرت عیسی۷ آمده است: «یا بنی إسرائیل لا تحدّثوا الجهّال بالحکمة فتظلموها، و لا تمنعوها أهلها فتظلموهم».

در آیه‌ای کتمان کنندگان بینات و هدایتی که از جانب خدا نازل شده، مشمول نفرین خدا و دیگر نفرین‌کنندگان معرفی شده‌اند:

إِنَّ الَّذينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَيِّناتِ وَ الْهُدى مِنْ بَعْدِ ما بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتابِ أُولئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللاَّعِنُون (بقره، ١٥٩)؛ کسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، نهفته

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

می‌دارند، آنان را خدا لعنت می‌کند، و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند.

در روایات ذیل این آیه، افزون بر اهل کتاب، کتمان کنندگان امامت اهل بیت: به عنوان مصداق بارز آیه معرفی شده‌اند. (ر.ک. تفسیر العیاشی، ج ۱ ص ۷۱ ـ ۷۳)

گفتنی است که نارواییِ پوشاندن علم و کتمان حقیقت، مطلق نیست. عالمان شیعه با ملاحظه مجموعه آیات و روایات ناظر به این موضوع و تحلیل مسأله تقیه و اصول تعلیم و تربیت مانند در نظر گرفتن سطح آموزه‌ها و شرایط اجتماعی موجود و درجه فهم و ایمان مخاطب و متعلم شرایط این مسأله بیان کرده‌اند. (برای آیات و روایات این بحث ر.ک. بحارالانوار، ج۲ ص٦٤ باب «النهی عن کتمان العلم و الخیانة و جواز الکتمان عن غیر أهله»)

نویسنده اطیب البیان در این باره نوشته است: «کتمان بسا واجب و یا مستحبّ است و آن کتمان سرّ است که بحسب موارد آن واجب یا مستحبّ می‌گردد مانند کتمان سرّ برادران دینی و کتمان سرّ ائمه اطهار: و تقیّه، و اخبار در مدح آن بسیار وارد شده و اذاعه و فاش نمودن سرّ که ضد کتمان است بسیار مذموم و بسا موجب قتل نفوس و افساد بین مسلمانان و بسا موجب قتل امام۷ می‌گردد» (اطیب البیان، ج ۲ ص ٢٦٦)

وی سپس به دو حدیث در این باره استناد کرده از جمله به حدیث زیر از امام صادق۷ که در آن کتمان سر اهل بیت جهاد در راه خدا شمرده شده است:

امام صادق۷: نَفَسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُغْتَمِّ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وهَمُّه لأَمْرِنَا عِبَادَةٌ وكِتْمَانُه لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّه. (الکافی ج ۲ ص ٢٢٦)

وی ضرورت اظهار و نبود شرایط تقیه را دو شرط لازم برای حرمت کتمان دانسته است: «و کتمان بسا حرام و کبیره بلکه موجب کفر و خلود در عذاب می‌گردد و آن کتمان علم است در جایی که اظهار آن واجب باشد و مورد تقیه هم نباشد چنانچه از حضرت عسکری۷ از حضرت امیر المؤمنین۷ از رسول خدا٦ روایت کرده که فرمود: «من سئل عن علم فکتمه حیث یجب اظهاره و تزول عنه التقیة جاء

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

يوم القيمة ملجما بلجام النار.» (الکافی ج ۲ ص ۲۲۶)

شهید ثانی قدس سره الشریف وجوب اظهار علم را به دو شرط مشروط کرده است. نخست نبود خطر برای معلم و بیان کننده حقیقت؛ دوم نبود ضرر برای هیچ یک از مسلمانان؛ وی درباره مکتوم ماندن علم در شرایط دشوار به حدیث زیر استناد کرده است. (منیة المرید، ص ۱۸۷ و ۱۸۸)

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ وعِنْدَه رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ يُقَالُ لَه عُثْمَانُ الأَعْمَى وهُوَ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ يَزْعُمُ أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْعِلْمَ يُؤْذِي رِيحُ بُطُونِهِمْ أَهْلَ النَّارِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ۷ فَهَلَكَ إِذَنْ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُوماً مُنْذُ بَعَثَ اللَّه نُوحاً۷ فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَميناً وشِمَالاً فَوَاللَّهِ مَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا هَاهُنَا»[1]عبد الله بن سلیمان گوید مردی از اهل بصره که نامش عثمان نابینا بود به امام باقر۷ عرض کرد: حسن بصری می‌پندارد کسانی که علم را کتمان کنند بوی شکمشان اهل دوزخ را اذیت کند. امام فرمود: بنا بر این مؤمن آل فرعون هلاک شده است! (در صورتی که قرآن او را به کتمان ایمان می‌ستاید) از زمان بعثت نوح۷ علم پنهان بوده است. حسن بصری راست برود، چپ برود (به هر سمتی که خواهد برود). به خدا علم جز در اینجا (اهل بیت:) یافت نمی‌شود (برای توضیحی درباره این حدیث و گونه علم مکتوم، ر.ک. الوافی، ج ۱ ص ۲۲۵)

ملاصالح مازندرانی در شرح این حدیث عوامل مکتوم ماندن علم را این گونه برشمرده است: ۱. نبود مصلحت در آشکار کردن؛ ۲. نبود استعداد برای فهم آن ۳. شدت تقیه و کثرت دشمن و گسترده بودن انکار و آزار. (شرح الاصول الکافی، ج۲ ص۲۰۹)

ضرورت کتمان نکردن در زمان پدیدآمدن بدعت بیشتر است. چنان که از حضرت رسول۶ روایت شده است: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ

۱. الکافی ج۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ». (المحاسن، ۱ ص ۲۳۱)

صاحب تفسیر نفحات الرحمن نیز ضمن تصریح به این که مطلق کتمان حرام نیست، شرایط لازم برای اظهار علم را این گونه بیان کرده است: ۱. امین بودن و حافظ بودن طالب علم ۲. فقدان ضرر برای گوینده یا مخاطب ۳. علم ضروری و مورد نیاز در حوزه عقیده و عمل؛ (کتمان دانش غیرضروری بلامانع است). (ر.ک. نفحات الرحمن، ج ۱، ص ۳۷۲ و ۳۷۳)

۳. تکریم و بزرگداشت قرآن کریم

یکی از حقوق بزرگ قرآن کریم بر همه مؤمنان، ضرورت گرامی داشت و بزرگداشت کتاب الهی است. تکریم و تعظیم قرآن اهمیت بسیاری دارد و موجب خشنودی خدا و تکریم فرد توسط خدای سبحان می‌شود. در روایتی امام صادق۷ بیان کرده‌اند که در روز رستاخیز قرآن کریم به زیباترین شکل مجسم می‌شود که باعث شگفتی مؤمنان، شهیدان و پیامبران و فرشتگان می‌گردد. آنگاه خدای متعال خطاب به قرآن می‌فرماید: «...فَيَقُولُ الْجَبَّارُ وعِزَّتِي وجَلَالِي وارْتِفَاعِ مَكَانِي لأُكْرِمَنَّ الْيَوْمَ مَنْ أَكْرَمَكَ ولأُهِينَنَّ مَنْ أَهَانَكَ» (الکافی ج ۲ ص ۶۰۲)؛ به سرافرازی و شکوه خودم و به بلندی جایگاهم سوگند که امروز گرامی می‌دارم آن را که تو را گرامی داشته است. و خوار و خفیف می‌کنم هر کس که تو را سبک شمرده است.

بنا به فرمایش نبوی، از آنجا که قرآن از تمام ماسوی برتر است، تکریم قرآن، تکریم خدا و عدم تکریم آن سبک شمردن حرمت الهی است. آن حضرت می-فرماید: «القرآن افضل کلّ شیء دون اللّه؛ فمن وقّر القرآن، فقد وقّر اللّه، و من لم یوقّر القرآن، فقد استخفّ بحرمة اللّه» (معارج الیقین فی أصول الدین، ص ۱۱۵)؛ قرآن از همه چیز، جز خدا، برتر است، پس هر که قرآن را پاس دارد خدا را پاس داشته است، و هر که قرآن را پاس ندارد، احترام خدا را سبک شمرده است».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

۴. استغنا با قرآن و هدایت قرآنی

از مصادیق مهم بزرگداشت قرآن کریم، بی‌نیازی ورزیدن با دانش و هدایت و حکمت قرآنی از دانشها، شناختها، مکاتب فلسفی و عرفانی و اندیشه‌های بشری دیگر است. به راستی کسی که قرآن دارد چه ندارد؟ و آن کس که قرآن ندارد، چه چیزی دارد؟ به بیان حضرت رسول٦، قرآن منبع سرشار و غنی است که پس از آن فقری نیست و بدون آن توانگری نه. القرآن غنی لا غنی دونه ولا فقر بعده. (معارج الیقین فی أصول الدین، ص ١١٤)

بر همین اساس حامل دانش قرآن باید خود را دارای برترین موهبت الهی بشمارد که هیچ نعمت معنوی یا مادی با آن قیاس‌پذیر نیست. پیامبر اعظم٦ چه نیکو فرمودند: «مَنْ أَعْطَاه اللَّه الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلاً أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَّرَ عَظِيماً وعَظَّمَ صَغِيراً» (الکافی، ج ٢ ص ٦٠٥ معانی الأخبار، ص١٩٠)؛ هر کس خدا قرآن به او عطا کند، و چنان تصور کند که به کسی چیزی برتر از آن عطا شده است، بی‌گمان بزرگی را کوچک و کوچکی را شمرده است.

قرآن، حکیم و حکمت است و حکمت به تعبیر قرآن، خیر کثیر است: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشاءُ، وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً، وَ ما يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ؛ (بقره، ٢٦٩) (خدا) به هر که خواهد حکمت می‌بخشد، و هر که حکمت به او بخشیده شود خیر فراوان به او بخشیده شده است، و پند نگیرند جز خردمندان؛

بر این پایه اندک و ناچیز شمردن هدایت و حکمت قرآنی، ستم، ناسپاسی و نابخردی است.

گفتنی است که بسیاری از عالمان شیعه، مراد از تغنی در حدیث نبوی «لیس منا من لم یتغن بالقرآن» را به قرینه نکوهش شدید تغنی نکردن و مدلول روایات همسان

در ضرورت بی‌نیازی با قرآن، به معنای استغنا گرفته‌اند نه غناء به معنای ترجیع صوت و قرائت قرآن با صدای نیکو. (برای نمونه رک. معانی الأخبار ص ۲۷۹، المجازات النبویة؛ ص ۲۲۱، الفوائد الطوسیة ص ۹۵، جواهر الکلام ج ٤١ ص ٤٩) در این صورت معنای حدیث این گونه خواهد بود: از ما نیست کسی که با قرآن بی‌نیازی نورزد.

نیاز به گفتن ندارد که مراد از بی‌نیازی ورزیدن با قرآن، به هیچ روی قرآن بسندگی به معنای حصر منابع معرفت و هدایت در قرآن کریم و نفی دیگر منابع معرفت مانند سنت و حدیث معصومین و دلیل عقل که خود قرآن به عنوان منبع معتبر معرفت معرفی کرده، نیست. عالم بزرگ، سید مرتضی پس از تحلیل وجوه معنایی حدیث تصریح می‌کند که رجوع به سنت و دیگر ادله معتبر به معنای تعدی و فراتر رفتن از قرآن نیست. زیرا قرآن بر پیروی از آنها دلالت دارد. بیان وی این است: «اگر گفته شود که آیا ما فراتر از قرآن به سنت و اجماع و دیگر ادله شرعی رجوع نمی‌کنیم؟ پس چگونه تعدی و فراتر از قرآن رفتن برای ما ممنوع است؟ گوییم این امور تعدی از قرآن نیست. زیرا قرآن بر وجوب پیروی از سنت و دیگر ادله شرعی دلالت دارد. پس هر کس به اینها در (استنباط) احکام تکیه کند، از قرآن تجاوز و تعدی نکرده است». (امالی الشریف المرتضی، ج ۱ ص ۲۷)

۴-۱. ترک هم‌نشینی با مسخره‌کنندگان آیات الهی

در برخی آیات قرآن از این مسأله سخن رفته که انسان مؤمن هرگاه مشاهده کرد که شماری از مخالفان و منافقان درباره آیات قرآن کریم از روی سرگرمی یا به قصد استهزاء و انکار و تخطئه به گفتگو می‌پردازند باید از هم‌نشینی با آنان پرهیز کند تا به سخنان دیگری بپردازند.

«وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

وَلَكِنْ ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (انعام، ٦٨-٦٩) و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجّه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین. کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند به گناه کافران بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند. باشد که پرهیزگار شوند.

مفسران در شأن نزول آیه گفته‌اند که مشرکان از روی سرگرمی به سخن گفتن درباره قرآن مشغول می‌شدند و آیات الهی را به سخره می‌گرفتند. خدای متعال با نزول این آیه مسلمانان را از هم‌نشینی با آنان نهی کرد. پس از هجرت مسلمانان به مدینه، منافقان با یهود مجالست می‌کردند و به استهزاء آیات خدا می‌پرداختند. آیه زیر نازل شد: (ر.ک. زبدة التفاسیر، ج ٢ ص ١٧٥ و ١٧٦، مسالک الأفهام إلی آیات الأحکام ج ٢ ص٣٩٣-٣٩٦)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (نساء، ١٤٠) و از این پیش، در این کتاب بر شما نازل کرده‌ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند با آنان منشینید تا آن گاه که به سخنی دیگر پردازند. و گر نه شما نیز همانند آنها خواهید بود . و خدا همهٔ منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد.

مفسران احکام شرعی متعددی از این آیات در تعامل با اهل کفر و فسق استفاده کرده‌اند. شیخ طوسی در این باره می‌گوید: در این آیه خدای متعال مؤمنان را آگاه کرده که منافقان کتاب خدا یعنی قرآن را به استهزاء گرفته‌اند و به آنان امر کرده است که با آنان ننشینند تا این که به سخنی غیر از قرآن بپردازند. سپس فرمود اگر با آنان در خوض و استهزاء به کتاب خدا هم‌نشینی کنید شما هم مانند ایشان هستنید. حکم به این که هم‌نشینان مومن همانند منافقان هستند در صورتی است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

که به کار آنان راضی باشند و با داشتن قدرت و امکان، نهی از منکر نکنند. و اظهار ناخوشنودی ننمایند. پس آنان هرگاه راضی به کفر باشند کافر هستند زیرا خشنودی به کفر، کفر است. این آیه دلالت دارد بر وجوب انکار منکر در صورت داشتن قدرت بر آن و نبود عذر؛ و این که هر کس با داشتن توانایی آن را ترک کند خطا کار و گناهکار خواهد بود و هم چنین دلالت دارد که همنشینی با اهل فسق و بدعتگزاران (در دین) از هر گونه‌ای که باشند، جایز نیست. (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳ ص ۳٦۲ و ر.ک. مجمع البیان، ج ۳ ص ۲۱۸) نویسنده مسالک الافهام هم بر آن است که مراد آیه نهی مؤمنان از هم نشینی با معاندین استهزاء کننده در هنگام اظهار عناد و کفر و استهزاء به آیات الهی است. (مسالک الأفهام إلی آیات الأحکام، ج ۲ ص ۳۹۳ - ۳۹٤)

گفتنی است که در تحلیل فقره «حتی یخوضوا فی حدیث غیره» دو دیدگاه هست: برخی آن را غایت حرمت گرفته‌اند و برخی علت حرمت؛ بنابر فرض نخست معنای آیه چنین خواهد بود که با فاسقان و کافران هم‌نشینی نکنید تا زمانی که از این کار دست بکشند. یعنی پس از آن منعی ندارد. در دیدگاه دوم معنا این گونه می‌شود که با فاسقان و کافران هم نشینی نکنید تا با ترک هم‌نشینی شما از این کار دست بکشند. هم چنین مفسران در تفسیر عبارت «إِنَّكُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ» بر این نکته تصریح کرده‌اند که در این گونه هم‌نشینی دو گناه متصور است و بنا براین دو گونه همسانی میان مسلمانان با استهزاگران آیات الهی پدید می‌آید. اگر شخص مسلمان، و با قدرت بر ترک جلسه و هم‌نشینی نکردن به حضور خود ادامه دهد و به عمل آنان راضی نباشد، در گناه همانند آنان خواهد بود. و اگر به رفتار کافران راضی باشد، در کفر همسان آنان خواهد بود. (زبدة التفاسیر، ج ۲ ص ۱۷۵ و ۱۷٦ التفسیر الأصفی ج ۱ ص ۲٤۷؛ ر.ک. زبدة البیان فی أحکام القرآن، ص ۳۳۸ – ۳٤۱)

حرمت هم‌نشینی به دلیل شنیدن استهزاء آیات است حتی در مواردی حضور

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

مؤمنان در جلسه مخالفان ممکن است خود زمینه‌ساز تداوم یا تشدید عمل زشت مخالفان باشد که در این صورت نهی مؤکدتر و الزامی‌تر خواهد بود.

محقق اردبیلی که این آیات را در کتاب امر به معروف و نهی از منکر از تفسیر آیات الاحکام خود مورد بررسی قرار داده، در تحلیل فقره «حتی یخوضوا فی حدیث غیره» دو دیدگاه مطرح کرده است. برخی این جمله را غایت حرمت گرفته‌اند و برخی علت حرمت؛ بنابر فرض نخست معنای آیه چنین خواهد بود که با فاسقان و کافران هم‌نشینی نکنید تا زمانی که از این کار دست بکشند. یعنی پس از آن منعی ندارد. در دیدگاه دوم معنا این گونه می‌شود که با فاسقان و کافران هم‌نشینی نکنید تا با ترک هم‌نشینی شما از این کار دست بکشند. ظاهراً نویسنده به دیدگاه دوم بیشتر گرایش دارد. (ر.ک. زبدة البیان فی أحکام القرآن، ص ۳۳۸-۳٤۱)

در روایاتی که ذیل آیه مطرح شده مطالب ارزشمندی آمده است. (برای مجموعه روایات مرتبط ر.ک. وسائل الشیعة، ج ١٦ ص ۲۵۹، باب تحریم المجالسة لأهل المعاصی وأهل البدع) امام محمد باقر۷ در تفسیر آیه «و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا» فرمودند: (مراد) سخن گفتن درباره خدا (در حوزه‌ای که ممنوع است) و جدال درباره قرآن است. (تفسیر العیاشی، ج ۱ ص ۳٦۲) مقصود حدیث آن است که از این دو گروه باید روی برتافت.

در روایت بلندی که وظایف اعضای بدن در آن تبیین شده درباره امور واجب بر گوش آمده است: «(خدای متعال) بر گوش واجب کرد که از گوش دادن به آن چه خدا حرام کرده، بپرهیزد و از آنچه بر آن حلال نیست، روی برگرداند از اموری که خدای عز و جل از آنها نهی کرده است. و گوش دادن به آنچه مایه خشم خدای عز وجل می‌گردد. خدا در این باره فرموده است: «و پیش از این، در این کتاب بر شما نازل کرده‌ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند با آنان منشینید تا آن گاه که به سخنی دیگر پردازند». آن گاه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

خدای عزیز و جلیل مورد فراموشی را استثنا کرده و فرموده است: «و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، با قوم ستمکار منشین.» (الکافی، ج ۲ ص ۳۵)

در حدیث دیگر می‌خوانیم که هنگامی که شعیب عقرقوفی از حضرت صادق۷ از گفتار خدای عز وجل (که فرماید): «و از این پیش، در این کتاب بر شما نازل کرده‌ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن را به ریشخند می‌گیرند تا آخر آیه» پرسید، حضرت فرمود: «مقصود از این آیه این است که هر گاه شنیدید که مردی حق را انکار می کند وآن را دروغ می‌شمارد، و در باره امامان بدگویی می‌کند، از نزد او برخیز و با او همنشینی مکن با او مشو، هر که خواهد باشد. (الکافی، ج ۲ ص ۲۷۷)

ملاحظه می‌کنیم که امام۷ در این روایت شریف، مورد آیه را به غیر قرآن تعمیم داده‌اند و با عنایت به مصادیق دیگر «آیات الله» از هم‌نشینی با افرادی که حق را تکذیب می‌کنند یا از امامان معصوم بدگویی می‌کنند، پرهیز داده‌اند.

۴-۲. عدم معامله قرآن با چیز دیگر

یکی از مصادیق بزرگداشت و ارج‌گزاری کتاب الهی، معامله و معاوضه نکردن قرآن با هیچ متاع مادی یا معنوی دیگر نیست. چرا که هیچ چیزی چنان ارزش و جایگاهی را ندارد که در داد و ستد قرآن با آن کسی سودی برد. معامله قرآن با هر چیز، پیامدی جز خسارت ابدی، ندارد.

در آیه‌ای خدای متعال برخی از اهل کتاب را که به قرآن کریم و کتاب آسمانی خودشان ایمان آورده‌اند را به خشوع برای خدا و معامله نکردن آیات خدا تمجید کرده است:

«وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خاشِعِينَ لِلَّهِ لا يَشْتَرُونَ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

بِآیاتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلیلا» (آل عمران، ۱۹۹)

بعضی از اهل کتاب به خدا و کتابی که بر شما نازل شده و کتابی که بر خودشان نازل شده است ایمان دارند. مطیع فرمان خدایند. آیات خدا را به بهای اندک نمی‌فروشند.

نویسنده اطیب البیان بر آن است که «لا یَشْتَرُونَ بِآیاتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِیلًا» تعریض بر سایر اهل کتاب است که با اینکه حقّانیت دین اسلام را فهمیدند و بشارات را در کتب خود دیدند برای منافع جزئی دنیوی اعم از جاه و مال کتمان کردند و ایمان نیاوردند. (اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ٤٦٩)

در حالی که برخی از اهل کتاب به دلیل انگیزه‌های مادی از ایمان به اسلام و قرآن خودداری کردند و در آیه زیر مورد نکوهش قرار گرفتند. «وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتی ثَمَناً قَلیلاً وَ إِیَّایَ فَاتَّقُون» (بقره: ٤١)

و به آنچه نازل کرده‌ام و کتاب شما را تصدیق می‌کند ایمان بیاورید، و از نخستین کسانی که انکارش می‌کنند مباشید. و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و از من بیمناک باشید.

۴-۳. تکریم اهل قرآن

یکی دیگر از مصادیق تکریم قرآن، تکریم حاملان علوم قرآن است که نزد خدا پایگاه والایی دارند. حضرت رسول٦ می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِی أَعْلَی دَرَجَةٍ مِنَ الآدَمِیِّینَ مَا خَلَا النَّبِیِّینَ والْمُرْسَلِینَ فَلَا تَسْتَضْعِفُوا أَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْجَبَّارِ لَمَکَاناً عَلِیّاً». (الکافی، ج ۲، ص ٦٠٣)

سخن واپسین

در این نوشتار شماری از حقوق مهم قرآن بر امت اسلامی بیان شد به خواست خدا در قسمت بعد دیگر حقوق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة.

۲. برقی، احمد بن خالد، المحاسن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۳۰ ش.

۳. بلاغی نجفی محمد جواد ،آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم،۱٤۲۰ ق، اول، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت. بیروت، چهارم.

٤. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، دار الکتاب الإسلامی، قم،۱٤۱۰ ق، نوبت چاپ: دوم.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، خاتمة وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسهٔ آل البیت لإحیاء التراث، ۱٤۱٤.

٦. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة / ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،۱۳۸۰ ش.

۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسیّة، تحقیق: سید مهدی لاجوردی و محمد، درودی، قم: مطبعه علمیه، بی‌تا. دار القلم- الدار الشامیة، بیروت- دمشق، ۱٤۱۲ ق، نوبت چاپ: اول.

۸. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱٤۰۸ ق، قم.

۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی- دکتر محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد،سال چاپ: ۱٤۰۸ ق.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان

۱۱. سبزواری، سید محمد، معارج الیقین، قم: مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ۱٤۱۰ ق.

۱۲. شبر سید عبد الله، تفسیر القرآن الکریم(شبر)، دار البلاغة للطباعة و النشر، بیروت، ۱٤۱۲ ق، اول.

۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، محقق/ مصحح: هوشمند، مهدی، دار الحدیث، قم، چاپ: ۱٤۲۲ ق / ۱۳۸۰ ش، نوبت چاپ: اول.

۱٤. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار(للشعیری)، مطبعة حیدریة، نجف، بی‌تا، اول.

۱۵. الشیخ محمد بن عبد الرحیم النهاوندی، نفحات الرحمن فی تفسیر القران، الطبعةالاولی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

١٦. الصحاح فی اللغة و العلوم، اعداد و تصنیف ندیم مرعشلی و اسامه مرعشلی، چاپ اوّل، دارالحضارة العربیّة، بیروت، ١٩٧٤م.
١٧. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، قم: دفترانتشارات اسلامی.
١٨. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوّم، دارالکتب‌الاسلامیّه، تهران، ١٣٩٠ق.
١٩. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.
٢٠. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، قم، چاپ: ١٤١٢ ق / ١٣٧٠ ش، نوبت چاپ چهارم.
٢١. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر خراسان، نجف: دارالنعمان للطباعة والنشر، ١٣٨٦ ق.
٢٢. طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن، التبیان فی تفسیر القران، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٠٩ق.
٢٣. طیب سید عبد الحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ انتشارات اسلام؛ تهران، ١٣٧٨ ش، چاپ دوم.
٢٤. علم الهدی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، محقق/ مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، دار الفکر العربی.
٢٥. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران المکتبة العلمیة الاسلامیة.
٢٦. فاضل مقداد جمال الدین، مقداد بن عبدالله، کنزالعرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (١٤١٩ ق)، اول، تحقیق: سید محمد قاضی.
٢٧. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت،١٤٢٠ ق، سوم.
٢٨. فیض کاشانی ملا محسن، الأصفی فی تفسیرالقرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ١٤١٨ ق، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی. قاهره، سال چاپ: ١٩٩٨ م، نوبت چاپ: اول. قسم الدراسات الاسلامیة – مؤسسة البعثة قم.
٢٩. فیض کاشانی ملامحسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، انتشارات الصدر، تهران، ١٤١٥ق، چاپ دوم.
٣٠. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، محقق / مصحح: الحسینی، احمد / مرعشی، محمود.
٣١. کاظمی جواد بن سعید، مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ١٣٦٥ ش، دوم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]

۳۲. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳٦ ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳٦۳ ش.
۳٤. مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، با تعلیقات ابوالحسن شعرانی، تصحیح علی عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۵. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات؛ محقق / مصحح: سید محمد کلانتر، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳٦. مجتبوی، جلال الدین (مترجم)، علم اخلاق اسلامی، ترجمه کتاب جامع السعادت، حکمت، ایران – تهران، جلد۱: ۱۳۷۷ش، جلد۲: ۱۳۷۷ش، جلد۳: ۱۳۷۷ش.
۳۷. مدنی شیرازی، سید علی خان، ریاض السالکین، تحقیق سید محسن حسینی امینی، مؤسسه انتشارات اسلامی، چهارم، ۱٤۱۵ ق.
۳۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحکام القرآن، کتابفروشی مرتضوی، تهران، اول. مکتبة آیة الله المرعشي النجفی، قم، سال چاپ: ۱٤۰۵ ق.
۳۹. ملکی میانجی، محمدباقر مناهج البیان فی تفسیر القرآن، تنظیم محمد بیابانی اسکویی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول،۱٤۱۷ق.
٤۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، مؤسسه المرتضی العالمیه و دار المؤرخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۱٤۱۲ ق.
٤۱. هادوی کاشانی، اصغر، مراتب انس با قرآن در روایات، فصلنامه علوم حدیث. (پاییز ۱۳۷۸) شماره ۱۳، (۲۱ صفحه – از ۷۱ تا ۹۱).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.4.5]